

خونه جدید برای سوسک زشت



یه سوسک زشت تو یه خونه ی خیلی کثیف، زندگی خوب و خوشی داشت . تا اینکه یه روز صاحب خونه دیوونه شد و تصمیم گرفت خونشو تمیز تمیز کنه. صاحب خونه همه جارو چند بار جارو کرد. دیگه هیچ آشغالی روی زمین برای خوردن پیدا نمی شد. همه ی در و دیوارا و شیشه هارو انقدر خوب تمیز کرد که دیگه جایی برای قایم شدن سوسک زشت پیدا نمی شد.

یه سوسک زشت تو یه خونه ی خیلی کثیف، زندگی خوب و خوشی داشت . تا اینکه یه روز صاحب خونه دیوونه شد و تصمیم گرفت خونشو تمیز تمیز کنه. صاحب خونه همه جارو چند بار جارو کرد. دیگه هیچ آشغالی روی زمین برای خوردن پیدا نمی شد. همه ی در و دیوارا و شیشه هارو انقدر خوب تمیز کرد که دیگه جایی برای قایم شدن سوسک زشت پیدا نمی شد.

سوسک زشت چند روز به بدبختی زندگی کرد و جاهای مختلف رو گشت تا بلاخره یه خونه ی کثیف کثیف پیدا کرد. خیلی زود تمام اسباب و اثاثیه اش رو جمع کرد و به خونه کثیف جدید اسباب کشی کرد.

بعد از اسباب کشی دیگه خیلی خسته بود. تا شب خوابید. وقتی هوا تاریک شد از خواب بیدار شد. اول دید دست و پاهاش حسابی کثیف کثیفن . خیلی کیف کرد و گفت حالا با این دستا غذا خوردن می چسبه. بعد راه افتاد این ور و اون ور تا یه غذای خوشمزه خوشمزه پیدا کنه.

اول یه مقدار چلو خورشت پیدا کرد انقدر حالش بد شد که نزدیک بود غش کنه. بعد یه خورده پنیر و گردو پیدا کرد . جلوی دماغشو گرفت و جیغ زد وای وای چه بوی بدی . حالم داره به هم می خوره. باز هم به راهش ادامه داد تا اینکه بلاخره یه بوی خوبی به دماغش خورد . هی بو کرد و هی کیف کرد. هی بو کرد و هی کیف کرد. دنبال بوی خوب راه افتاد و جلو رفت تا به محل بو رسید. یه دفعه از خوشحالی یه جیغ زد و پرید این ور و پرید اون ور و گفت آخ جون پیدا کردم پیدا کردم بلاخره سطل آشغالو پیدا کردم. چه آشغالای خوش بویی . چه غذاهای خوشمزه ای . اینجا همه چیز هست . غذاهای گندیده و کپک زده ! آشغالای خیس و چلمبه ! دیگه از این بهتر نمی شه .

سوسک زشت پرید روی در سطل آشغال و از اونجا جفت پا پرید توی آشغالا ، انقدر خورد و خورد و خورد تا شکمش باد کرد. حالا نوشابه می خواست . رفت تو چاه آشپزخونه تا فاضلابو پیدا کنه و یه شکم سیر آب بخوره . چاه آشپزخونه برای سوسک زشت مثل یه پارک یا یه شهر بازی بود. همونجا توی چاه تا آخر شب تفریح و گردش کرد.

خلاصه روزگار خوش و خرم سوسک زشت تو خونه ی جدید شروع شد!!

سوسک زشت از اون موقع تا حالا تو همون چاه آشپزخونه کنار سطل آشغال زندگی خوبی داره و حسابی چاق شده فقط یه دمپایی کمه که بخوره تو سرش و کارشو تموم کنه.